

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۷ اپریل ۲۰۱۹

در باره زندگی رفیق شهید "نصرت کریمی"



در اول شهریور سال ۱۳۶۱ و در بجنوبه کشتاری که حکومت علیه نیروهای انقلابی و مبارز در سیاهچال های سراسر کشور به راه انداخته بود، دژخیمان جمهوری اسلامی، چریک فدائی خلق رفیق نصرت کریمی را همراه با تعدادی از یارانش در حالی که همگی سرود انترناسیونال -سرود بین المللی کارگران- را می خواندند به میدان تیر برده و وحشیانه تیرباران نمودند. این واقعیت که رفیق نصرت و یارانش در شرایط شکنجه و اختناق که جنایتکارانی چون احمد نوریان به عنوان رئیس زندان و عبدالرضا مصری به عنوان بازجو در زندان دیزل آباد کرمانشاه ایجاد کرده بودند، سرود خوانان به سوی مرگ می رفتند تا مرگ را سرودی کنند، خود نشان از روحیه تزلزل ناپذیر و استوار رفیق نصرت و یارانش داشت. آنها کمونیست

هائی بودند که کینه بحق خود از نظم ظالمانه سرمایه داری و پادو های جنایتکارش را با آگاهی انقلابی صیقل داده و حتی در زمان مرگ خویش هم آخرین سرود خود را برای طبقه کارگری می خواندند که فلسفه وجودیشان و آرمان هایشان را شکل داده بود.

رفیق نصرت به دلیل حضور برادران کمونیستش، احمد و علی در خانواده ای سیاسی رشد کرده و به همین دلیل هم در عنوان جوانی با مارکسیسم، این جهان بینی پرولتاریا آشنا شد. او با پی بردن به حقانیت مارکسیسم – لنینیسم همه وجودش را صرف تحقق آن و آرمان های طبقه کارگر نمود. از آن جا که در واقعیت عینی، شکل خلاق انطباق مارکسیسم-لنینیسم در شرایط جامعه زیر سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته ما، تئوری مبارزه مسلحانه می باشد، رفیق نصرت رهرو صدیق این تئوری انقلابی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که با این تئوری شناخته می شد، گشت. به دنبال قیام بهمن [دلو] و علنی شدن این سازمان، برای رفیق نصرت خیلی زود روشن شد که آن سازمان به دلیل نفوذ اپورتونیست ها در رهبری اش نه اعتقادی به آن تئوری انقلابی دارد و نه پاسدار سنت ها و آرمان های کمونیستی پایه گذاران آن سازمان می باشد. به همین دلیل وقتی چریکهای فدائی خلق ایران درست به دلیل مرزبندی با

اپورتونیسیم حاکم بر آن سازمان، صف خود را از آنها جدا کرده و اعلام موجودیت نمودند، رفیق نصرت و برادران و یارانش از اولین انقلابیونی بودند که در کرمانشاه به چریکهای فدائی خلق پیوسته و هسته اصلی تشکل این سازمان در کرمانشاه را شکل دادند. در این تشکل نوپا رفیق نصرت به رغم آن که سن و سال زیادی نداشت، ولی به خاطر ایمان تزلزل ناپذیرش به راهی که می پیمود، مسؤولیت های تشکیلاتی متعددی را بر عهده داشت و با تلاش های خستگی ناپذیرش صفوف این تشکل را هر چه بیشتر گسترش داد و در جهت مسلح کردن این تشکل گام برداشت.

در ۱۵ اسفند [حوت] سال ۶۰ در جریان یورش همه جانبه نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی به رفقاء در کرمانشاه رفیق نصرت دستگیر و به زیر شکنجه های وحشیانه برده شد و چند ماه بعد هم قلب گرم و سرخش با رگبار دژخیمان جمهوری اسلامی برای همیشه از حرکت باز ایستاد. او که در زمان اعدام تنها ۲۲ سال سن داشت در سراسر زندگی کوتاه خود قلبش با درد ها و رنج های کارگران و ستمدیدگان تپیده بود. وی از جمله رفقای بود که عشق به کارگران و ستمدیدگان و خشم و کینه شان به سرکوبگران آنها را به اسطوره های مقاومت در مقابل شکنجه های ددمنشانه تبدیل می کند. کما این که مقاومت او در جریان بازجوئی و شکنجه های وحشیانه مزدوری چون عبدالرضا مصری او را همچون برادر هایش احمد و علی کریمی به سمبل مقاومت در زندان دیزل آباد کرمانشاه بدل کرد. به یاد آوریم که چنین مقاوت های جانانه در شرایط جنگ تمام عیار رژیم تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی علیه توده های مردم و در حالی بود که خمینی جنایتکار ولی فقیه این رژیم برای باز گذاشتن دست شکنجه گران در اعمال همه گونه شکنجه علیه کمونیست ها و آزادیخواهان، فتوا داده بود که "در مورد افراد مقاوم که حتی اسمشان را نمی گویند تا پای مرگ باید تعزیر شوند. اگر زیر شلاق هم جان بدهند کسی ضامن نیست".

عمق و عظمت مقاومت های رفقای چریکهای فدائی خلق ایران در کرمانشاه و از جمله رفیق نصرت درست با شناخت از شرایط سرکوب همه جانبه و ددمنشانه ای قابل درک است که رژیم جمهوری اسلامی در اجرای توصیه اربابان خود در گوادلوپ مبنی بر سرکوب انقلاب مردم مبارز ایران، در سراسر جامعه علیه توده ها به وجود آورده بود. تأثیر مقاومت های حماسی رفیق نصرت و رفقای چون او در کرمانشاه در زیر شکنجه تا آنجاست که هنوز هم آن مقاومت ها زبانزد بازماندگان آن دوران از زندان دیزل آباد می باشد. خاطره مبارزات انقلابی و برخوردهای سلحشورانه رفیق نصرت در کنار دیگر رفقای گرانقدر کرمانشاه الهام بخش همه انقلابیونی است که برای سرنوینی جمهوری اسلامی و نظم ظالمانه سرمایه داری وابسته حاکم تلاش می کنند تا امکان رهائی کار از سرمایه و حرکت در جهت ایجاد جامعه ای عاری از استثمار و ظلم و ستم در جامعه ایران مهیا گردد.

یاد رفیق نصرت کریمی جاودان و راهش پر رهرو باد!

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۶۲، پانزدهم اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۷